روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۲۹ شوال ۱۴۴۵ | ۸ مه ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۰۳۳ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۷ سال و ۲۲۷ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4033 | WED.MAY.08, 2024 | ISSN:2008-2886

رئیس‌جمهور در مراسم تجلیل از ۱۵۱۷ نفر از مدال‌آوران و قهرمانان ورزش ایران:

هزینه برای ورزش سرمایه‌گذاری است

صفحه ۶

مراسم تحلیف رئیس‌جمهور روسیه برگزار شد

وعده پوتین درباره جهان چندقطبی

صفحه ۷

با وجود اعلام حماس مبنی بر پذیرش آتش‌بس
کابینه جنگ رژیم صهیونیستی حمله به رفح را تصویب کرد

گذرگاه جنایت

بمباران شدید رفح ده‌ها شهید و زخمی بر جا گذاشت

صفحه ۷

عکس: خبرگزاری آناتولی

تیترهای امروز

یادداشتی از دکتر سیدجواد میری؛ تحول تاریخی تکیه بر درون از صفویه تا جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی چگونه توسعه را با تقویت قدرت درون‌زای ملی محقق می‌کند؟

امنیت درون‌زا و توسعه ایران

■ پاسخ جمهوری اسلامی به سؤال معروف عباس میرزا

صفحات ۱و۲

طرح «ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها» به قانون تبدیل شد

تصمیم مهم برای بازار مسکن

■ بذرپاش: قانون جدید حوزه مسکن دست دولت را برای مداخله بیشتر در بازار باز می‌کند

صفحه ۳

حضور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سی‌وپنجمین نمایشگاه کتاب تهران

از زال تا سیمرغ در مصلی

صفحه ۸

اسلامی در دیدار گروسی بر حل موضوع ۲ مکان باقیمانده تأکید کرد

قرار اصفهان

صفحه ۷

یادداشت روز

سعید لیلاز انتشار عامدانه فایل صوتی ظریف با نیت اخذ امتیاز برجامی از دولت بایدن را تأیید کرد

ضدملی تا روز آخر!

[ارمیا عزیزی]

اردیبهشت ۱۴۰۰ کمتر از یک ماه مانده تا آغاز تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم ناگهان انتشار یک فایل صوتی ۳ ساعته جنجال‌آفرین شد. در این فایل صوتی محمدجواد ظریف، وزیر وقت امور خارجه در اظهاراتی توهین‌آمیز درباره سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی دوگانه مجعول «میدان» و «دیپلماسی» را وارد ادبیات سیاسی کشور کرد. این فایل صوتی و محتوای طرح‌شده در آن تا جایی با واکنش منفی مردم مواجه شد که چند روز بعد حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق نیز در جلسه‌ای مجبور به موضع‌گیری علیه محتوای این گفت‌وگو شد. بار منفی مواضع ضدملی وزیر وقت امور خارجه تبدیل به یکی از سیاه‌ترین برگ‌های کارنامه سیاسی جواد ظریف شد، تا جایی که مایک پمپئو، وزیر اسبق خارجه آمریکا در توئیتی در واکنش به انتشار فایل صوتی اظهارات نسنجیده ظریف نوشت: «حمله دقیق دولت ما به قاسم سلیمانی (ترور سردار شهید سلیمانی به دستور ترامپ) تأثیر گسترده‌ای بر ایران و خاورمیانه داشت. اگر حرف من را قبول ندارید از ظریف بپرسید».

در همان زمان همه گمانه‌زنی‌های منطقی حکایت از آن داشت که انتشار این فایل صوتی نمی‌تواند جز از کانال‌های دولتی صورت گرفته باشد. با این حال اصلاح‌طلبان تلاش کردند با طرح این فرضیه که منتقدان دولت برای انتقام‌گیری از ظریف اقدام به انتشار این فایل کرده‌اند از فشار عمومی واردشده بر وزیر وقت امور خارجه بکاهند اما حالا در اردیبهشت ۱۴۰۳ در حالی که ۳ سال از انتشار فایل مذکور می‌گذرد، طرف دوم حاضر در این گفت‌وگو یعنی سعید لیلاز در گفت‌وگویی با یادآوری مصاحبه جنجالی‌اش با محمدجواد ظریف اطلاعات جدیدی درباره افشا شدن فایل این گفت‌وگو داد که موید گمانه‌زنی‌های منطقی ۳ سال پیش و انتشار عامدانه این اظهارات ضدملی از سمت دولت سابق است. لیلاز در گفت‌وگویی که چند روز قبل با روزنامه شرق داشته در پاسخ به سوالی درباره افشا شدن این فایل گفت: «بدون آنکه بگویم چه کسی چه کاری کرد، یکی از اهداف و دلایل و جنبه‌های افشاگری آن با هدف ارسال پالس مثبت به طرف آمریکایی بود که اگر دولت بایدن می‌خواهد برای احیای برجام کاری بکند، در همین ماه‌های منتهی به پایان عمر دولت روحانی باشد که احیای برجام بتواند به جریان همسوی دولت روحانی برای تداوم قدرت کمک کند و دولت بایدن متأسفانه حتی همین کمک را هم نکرد».

نقل لیلاز البته تطابق حداکثری با عمل دولت روحانی دارد. روحانی با وام‌گیری سیاست خارجی برای موفقیت در سیاست داخلی وارد میدان انتخابات شد و در تمام دوره ۸ ساله ریاست‌جمهوری خود نیز از هیچ تلاشی برای بهره‌گیری از این قمار ضدملی فروگذار نکرد. حال با این افشاگری لیلاز بیش از پیش روشن شده که دولت سابق به منظور دستاوردسازی برای خود تا چه میزان حاضر به قربانی کردن منافع ملی پای اهداف جناحی خود بوده است.

تبدیل شدن دهه ۹۰ به یک دهه سوخته در سایه ساده‌انگاری‌های دولت وقت در عرصه سیاست خارجی باعث اعتراف دیگری از سوی لیلاز شد که از حامیان قدیمی و شناخته‌شده برجام است. وی با اشاره به تغییر موضعش درباره برجام گفت: «من به برجام نقد دارم؛ چون خروجی مطلب و آن مذاکرات نبود؛ به همین دلیل دارم تاریخچه این روند را طی می‌کنم تا تاریخ را از ته نخوانیم، بلکه از نقطه آغاز تا نقطه پایان را بدانیم. گفتم من موافق مذاکره برابرم و فکر می‌کنم در آن سال مذاکره برابر انجام شد. نتیجه آن ۲ سال مذاکره برابر به یک توافق رسید. اتفاقا اگر ما برجام ۱ را امضا نمی‌کردیم و به شکست نمی‌رسید، من مخالف جدی برجام ۲ و ۳ نبودم ولی وقتی برجام اول این سرنوشت را پیدا کرده است، دیگر برجام‌های بعدی فایده‌ای ندارد. این را سعید لیلاز به شما قول می‌دهد».

جعبه سیاه تاریخ هیچگاه تمام مجهولات و معماهای موجود در سیاست یک کشور را حل نمی‌کند اما در گذر زمان و با رو شدن برخی ناگفته‌ها، قضاوت‌ها درباره عملکرد، گفتار و رفتار افراد به شکل بهتری شکل می‌گیرد. هرچند عملکرد خسارت‌بار دولت‌های یازدهم و دوازدهم و بی‌دستاوردی محضش در پایان دوره روی کار بودن حسن روحانی هویدا شد اما مواردی همچون انتشار عامدانه مواضع ضدملی ظریف با نیت گرفتن امتیاز از دولت بایدن بار دیگر منش و نیت غیرصادقانه دولت غربگرا را به اثبات رساند.

نکته

تن رنجور معاونت پرورشی را دریابید

رها عبداللهی: آموزش‌وپرورش به عنوان سکوی ایجادکننده هویت منابع انسانی، یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های کشور و به فرموده مقام معظم رهبری دستگاهی برتر و مهم‌تر از سایر دستگاه‌هاست. ساخت هویت منابع انسانی با صرفاً سر کلاس رفتن و آموزش دیدن محقق نمی‌شود و ستون مهم آموزش‌وپرورش، یعنی تربیت، سازنده اصلی هویت و جهت‌گیری نیروی انسانی آینده کشور است.

امور پرورشی درختی مثمر و پربرکت است که نهال آن اوایل انقلاب به دست شهدای بزرگی چون رجایی و باهنر کاشته شد و بعدها به طور رسمی عنوان معاونت پرورشی را به خود گرفت. در دوره دوم خرداد این معاونت توسط مدیران مغرض دولت در راستای قلع و قمع نهادهای انقلابی منحل شد که البته در دولت بعد مجدداً احیا شد اما ضربه کاری مدیران لیبرال کار خود را کرده و منجر به وضعیتی فرمالیته و خنثی در این معاونت شده. امروز مقام معظم رهبری از عملکرد آن ابراز نارضایتی می‌کنند و امسال در دیدار معلمان بخش مهمی از بیانات‌شان را به این موضوع اختصاص دادند و به گونه‌ای سخن گفتند که به نظر می‌رسد باید این بخش آموزش‌وپرورش از نو ساخته شود.

حضرت آقا امسال در بیانات‌شان اشاره فرمودند امروز معاونت پرورشی مشکلاتی دارد و سپس وظایف این معاونت را برشمردند. از جمله جلوگیری از ایجاد و رواج آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، تبیین مصالح بنیادی کشور و نظام اعم از شناخت دوست و دشمن و واکسینه کردن نوجوانان در برابر تبلیغات دشمنان و شناساندن منطق و عقلانیت پشت مفاهیم و شعارهای جمهوری اسلامی.

جالب اینجاست در حالی رهبری این تذکر را راجع به لزوم شناخت دانش‌آموزان نسبت به مفاهیم و منطق پشت شعارهای جمهوری اسلامی می‌دهند که غالب فعالیت‌های پرورشی مدارس خلاصه شده در شعار و خبری از برنامه‌های تبیینی مؤثر وجود ندارد. عملکرد مربیان پرورشی بسیاری اوقات کلیشه‌ای و غیرجذاب و صرفاً برای گزارش فرستادن انجام می‌شود و انگیزه‌ای برای درگیر شدن بچه‌ها با آنها وجود ندارد. فعالیت‌های مناسبتی و مسابقات نیز بسیاری مواقع تکراری و حوصله‌سربر است که اشتیاقی را در بچه‌ها برنمی‌انگیزد. این نقد قصد نادیده گرفتن زحمات آن دسته از مربیان پرورشی دلسوز و انقلابی که با اعتقاد در مدارس کار می‌کنند و زحمت می‌کشند و با خلاقیت دانش‌آموزان را جذب مفاهیم دین و انقلاب می‌کنند، ندارد.

ادامه در صفحه ۶

گفت‌وگوی رئیس حزب میهن‌پرستان ترکیه با شبکه آرتی روسیه

پرینچک: ایران و فلسطین عامل غرب‌زدایی از ترکیه هستند

ترجمه

عباس جمعه*: وقتی به برخی همکاران و کارشناسان ترکیه‌ای گفتم برای دیدار با دوغو پرینچک، رئیس حزب میهن‌پرستان ترکیه (وطن پارتیسی) به استانبول می‌روم، واکنش‌ها متفاوت بود؛ از بی‌تفاوتی و عصبانیت کامل تا تحسین زیاد. بدبینان می‌گفتند هم حزب و هم رهبر آن «اردک‌های لنگ» هستند و آینده‌ای ندارند اما خود پرینچک با این نظر مخالف است. این سیاستمدار ۸۱ ساله می‌گوید: «فقط چند سال صبر کنید تا به مجلس راه پیدا کنیم، آن وقت خواهید دید». پرینچک معتقد است هر سال مردم ترکیه از ارزش‌های غربی و سیاستمدارانی که این ارزش‌ها را نمایندگی می‌کنند دور و دورتر می‌شوند. این امر بیشتر به دلیل موضع آمریکاست که مرتباً رفتار غیردوستانه و حتی تهاجمی در منطقه و همچنین در قبال ترکیه از خود نشان می‌دهد. او می‌گوید: «هم مردم عادی و هم نیروهای مسلح ما آن [رفتار آمریکا] را می‌بینند». در حالی که نقشه‌ای را به من نشان می‌دهد که در آن پایگاه‌های نظامی آمریکا در اطراف ترکیه مشخص شده‌اند، هشدار می‌دهد: «ترکیه هدف اصلی آمریکاست. اخیراً نقشه مشابهی از ایران در اینترنت به اشتراک گذاشته شده است. از این نظر اما اوضاع برای تهران خیلی راحت‌تر از ما است». [1]

می‌پرسم: «چرا؟ چون سفارت آمریکا در آنجا نیست؟»

پرینچک می‌خندد و جواب می‌دهد: «ایران [برخلاف ترکیه] عضو ناتو نیست، به همین دلیل است که ما در معرض خطر بزرگ‌تری قرار داریم». به گفته پرینچک، تضادهای میان آنکارا و واشنگتن عمدتا راهبردی است و یک‌روزه قابل حل نیست: «من تاریخ روابط ترکیه و آمریکا را به ۳ دوره تقسیم می‌کنم؛ اولی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰، دومی از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ و سومی بعد از سال ۲۰۱۴ شروع شد. در دوره اول، آمریکا تلاش کرد دستاوردهای انقلابی ترکیه را تضعیف کند اما تا حد زیادی در این امر ناکام ماند. در دوره دوم یعنی پس از سال ۱۹۸۰، خط اصلی سیاست آمریکا ادغام اقتصاد ترکیه در اقتصاد جهانی بود. البته ادغام با اقتصاد جهانی به معنای حذف اقتصاد، فرهنگ و سیاست ملی کشورمان هم بود. [غرب] حتی در فکر اجرای زورکی این سناریو بود. آن زمان، حزب ما اصلی‌ترین نیروی سیاسی بود که با این دخالت‌ها مبارزه کرد. در آن زمان به آن حزب کارگران و دهقانان می‌گفتند. حدود ۲۵۰۰ عضو حزب به زندان انداخته و در آنجا شکنجه شدند. علاوه بر این، آمریکا تلاش کرد پروژه «کردستان» را در خاک ترکیه پیاده کند (پرینچک آن را «پروژه اسرائیل دوم» می‌نامد). ما به‌شدت به آن اعتراض کردیم و به هر شکلی که می‌توانستیم در برابر آن مقاومت کردیم. سال ۲۰۱۴ بالاخره توانستیم افسران و ژنرال‌هایی را که سال ۲۰۰۷ زندانی شده بودند آزاد کنیم. سپس، دوره سوم مورد انتظار آغاز شد، زمانی که ترکیه به‌تدریج شروع به فاصله گرفتن از آمریکا کرد.

این دوره با مبارزه با تروریسم و تجزیه‌طلبی مشخص شد. در واکنش، در تابستان ۲۰۱۶، مأموران آمریکا یک کودتای مسلحانه [کودتای تموز] را تدارک دیده و اجرا کردند. با این حال شکست خوردند. پس از آن پاکسازی‌ها آغاز شد. ۱۴۰ هزار خائن از مناصب خود برکنار یا زندانی شدند. این منجر به دوگانگی خاصی شد: [عوامل ناتو] به طور دسته‌جمعی مجازات شدند اما ترکیه همچنان بخشی از ناتو باقی مانده است».

***

■ **شما گفتید آمریکا تا حد زیادی شکست خورده اما همچنان به اعمال فشار اقتصادی بر ترکیه ادامه می‌دهد. مثلاً می‌خواهد از همکاری ترکیه با روسیه جلوگیری کند.**

درست است. سیاست فشار بر ترکیه اما به بن‌بست نزدیک می‌شود. ترکیه به‌تدریج به چین، روسیه و ایران نزدیک‌تر می‌شود. با این حال، این یک فرآیند پیچیده و کند است. دولت اردوغان از یک سو نمی‌خواهد به طور کامل از دنیای آتلانتیک (ناتو) جدا شود و از سوی دیگر می‌خواهد به کشورهای آسیایی نزدیک شود. رجب [رئیس‌جمهور ترکیه] می‌خواهد با پوتین دوست باشد ولی در عین حال می‌خواهد با [جو بایدن] رئیس‌جمهور آمریکا هم رابطه خوبی داشته باشد. آمریکا به اعمال فشار [بر کشور ما] ادامه می‌دهد. ترکیه بدهی مالی زیادی دارد و به واردات وابسته است. فشار فقط اقتصادی نیست، سلاح‌ها[ی آمریکایی] نیز علیه ما است (دوباره به نقشه اشاره می‌کند). آنها هر کاری می‌کنند تا دیر یا زود ترکیه را مجبور به ترک ناتو کنند.

ادامه در صفحه ۶

جمهوری اسلامی چگونه توسعه را با تقویت قدرت درون‌زای ملی محقق می‌کند؟

امنیت درون‌زا و توسعه ایران

یادداشت

دکتر سیدجواد میری: یکی از مباحث انحرافی، قرار دادن تقابلی ۲ مفهوم «امت» و «ملت» در بستر جمهوری اسلامی است. به این معنا که جمهوری اسلامی با تکیه بر مفهوم امت، ملت ایران را فدای اهداف انترناسیونالیسم اسلامی خود کرده است. مبتنی بر این مفروض نادرست اپوزیسیون تلاش می‌کند با تکیه بر مفهوم «ملت» صف‌آرایی کند اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد این است که ناسیونالیست‌ها یا ملت‌گرایان مجبور می‌شوند از امر واقع ایرانی فاصله بگیرند و به ۲ گفتمان باستانگرایی یا غربگرایی پناه ببرند و در هر ۲ حالت از بطن جامعه و روح تاریخ ایران که معجونی از ترکیبات گوناگون است فاصله بگیرند و تضادهای مختلف درست کنند اما نکته اینجاست که «جمهوری اسلامی» صورتی از ناسیونالیسم ایرانی در «وضع تجدد متاخر» است. برای درک این مساله باید فهم دقیقی از ۲ مفهوم «انقلاب» و «نظام» داشت. جمهوری اسلامی در ایران به مثابه یک «نظام» مترادف با گفتمان انقلاب که مقوله‌ای انترناسیونالیستی است، نیست بلکه صورتی از ناسیونالیسم ایرانی در «وضع تجدد متاخر» است که عدم درک این مُهم موجب شده است هم پوزیسیون و هم اپوزیسیون درک تاریخی صائبی از وضع خویش در تاریخ ایران نداشته باشند. گفته شده است مهم‌ترین پرسش عباس‌میرزا مساله «توسعه» بوده است و این بزرگ‌ترین دروغی است که به جامعه گفته‌اند. مهم‌ترین دغدغه عباس‌میرزا پرسش از «امنیت» بوده است. به سخن دیگر، چگونه می‌توان به «امنیت درون‌زا» دست یافت؟ بعد از مرگ نادرشاه افشار مهم‌ترین پرسش پیش روی معماران نظام سیاسی در ایران این بود: چگونه می‌توان به «امنیت درون‌زا» که بُن‌مایه اساسی توسعه در جهان جدید است دست یافت. صور گوناگونی در ۲۰۰ سال اخیر در ساحت جمعی ایرانیان مطرح و نهادینه شده است اما هرکدام به دلیل عدم تحقق امنیت درون‌زا شکست خورده است و چون این مهم محقق نشده، توسعه هم به نحو جامع و پایدار پدید نیامده است اما «جمهوری اسلامی» به مثابه یک صورت‌بندی در بستر تجدد متاخر به این سو حرکت کرده است. تلاش‌های ایرانیان در این ۴۶ سال را باید در بستری تاریخی و در سطح معادلات جهانی مورد بازخوانی قرار داد و سپس این پرسش را مطرح کرد: آیا ما به امنیت درون‌زا دست یافته‌ایم و اگر چنین است آنگاه پرسش‌های مهمی که پیش روی جامعه ایرانی است چیست و رابطه آنها چگونه باید باشد؟ ۲ پرسش بنیادین پیش روی ما مساله امنیت و توسعه و دیالکتیک تاریخی بین این ۲ مولفه در تمام سطوح امر اجتماعی است. این پرسشی است که ناسیونالیسم ایرانی در قالب جمهوری اسلامی باید به آن به صورت همه‌جانبه بپردازد و از تقابل‌های کاذب بین امنیت و توسعه یا جامعه و سیاست و... اجتناب کند. اکنون بنا داریم این مجمل را که ذکر شد به نحو تفصیلی مورد پردازش قرار داده و شرح دهیم. نگاه‌های متفاوتی را می‌توان به مفهوم جمهوری اسلامی کرد. بعضی خوانش‌ها ممکن است به عنوان مثال غلظت فقاهت را در درک خود از اسلامیت حاکمیت برجسته کنند. برخی ممکن است نگاهی حداقلی به فقاهت و نگاهی حداکثری به مفهوم جمهوریت داشته باشند. یا برخی ممکن است جمهوریت و اسلامیت را به نحو برابر دیده و معتقد باشند هر دوی اینها نظام را با هم مدیریت کند. وارد شدن به این بحث‌ها دارای اهمیت و خوب است اما آن نکته‌ای که بسیار مهم بوده و در عین حال کمتر مورد توجه قرار گرفته، سوای واقعیت نظام جمهوری اسلامی، واکاوی ایده و مفهوم جمهوری اسلامی به مثابه امری تئوریک است. به عبارت دیگر باید بپرسیم: جمهوری اسلامی در بستر تحولات و تاریخ ایران چه جایگاهی دارد؟ این ایده آمده است تا پاسخ چه پرسشی را در تحولات ایران بدهد؟ حتی در برشی وسیع‌تر می‌توان پرسید: جمهوری اسلامی در بستر تحولات تاریخ تمدن جهان اسلام و بعد کل جهان چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟ یا چه چیزی را به جهان اضافه و کم می‌کند؟ از این منظر ما خیلی کم به جمهوری اسلامی پرداخته‌ایم. نکته بعدی که بر این امر مقدماتی سوار می‌کنیم آن است که جمهوری اسلامی به مثابه یک مفهوم تئوریک، یک خلأ را در باب تحولات جامعه ایران پاسخ داده است. آن خلأ اما چیست؟

■ **دوره امنیت سرزمینی**

اگر ما به تاریخ تحولات جامعه ایران نگاه کنیم، می‌توانیم چند دوره را از یکدیگر تفکیک کنیم. از اواخر دوران ایلخانان تا ظهور صفویه یک دوره است. در این دوره ما حاکمیت‌ها و دولت‌های کوچک و بزرگی داریم. با ظهور صفویه شاهد یک طرح امنیت سرزمینی هستیم، البته خود صفویه با این ادبیات سخن نمی‌گوید اما هنگامی که نگاه متأخر به آن می‌کنیم، می‌شود صفویه را اینگونه توضیح داد. صفویه سرزمین مشخصی را ۲۲۰ سال در ذیل یک امنیت سرزمینی قرار می‌دهد. حتی وقتی صفویه به معنای ظاهری دچار فروپاشی می‌شود و بعد نادرشاه افشار که خود از سرداران صفویه است، وارد معادلات جهانی می‌شود، طرح را نه تنها متوقف نمی‌کند، بلکه طرح صفویه را ادامه می‌دهد و تلاش می‌کند سنتزی در جهان اسلامی ایجاد کند. نادرشاه طرحی را به خلافت عثمانی می‌دهد و می‌گوید گرفتاری ما از تفرقه در جهان اسلام است. ایده اتحاد جهان اسلام مرتبط با عثمانی‌ها نبوده است که برخی در آثار خود آن را متعلق به قرن ۱۹ و بعد سیدجمال می‌دانند. صفویه امنیت سرزمینی را اجرا می‌کند و حتی در باب امنیت تمدنی جهان شیعه ایده‌هایی دارد اما نادر شاه طرح را در مستوای وسیع‌تر به عنوان طرح تمدن جهان اسلام در برابر قدرت‌های رقیب مطرح می‌کند.

ادامه در صفحه ۲